

## بررسی تطبیقی جایگاه وصایت و امامت در قرآن و کتاب مقدس عبری

سیده‌جنان موسوی  
(دانش‌آموخته سطح سه مدرسه علمیة نرجس)

### چکیده

نگارنده پس از مفهوم‌شناسی بحث، به پیشینه اعتقادی وصایت و جانشینی، جایگاه، مبانی و پیش‌فرض‌های بحث در متن مقدس قرآن و کتاب مقدس عبری پرداخته است. او معتقد است اصل امر وصایت در هر دو متن مقدس به روشنی بیان شده است و لذا به یکی از مشترکات بحث یعنی «تنزیصی بودن امر وصایت» در هر دو متن اشاره می‌کند و می‌کوشد ادعای مذهب تشیع و یهود در باب مقام انتصابی و الهی وصی و امام پس از پیامبر را اثبات کند. اما در باب بحث وصایت، مهمترین افتراق این دو متن، در مقام عصمت پیامبران و جانشینان ایشان است.

**کلید واژگان:** وصایت، امامت، قرآن کریم، کتاب مقدس، عصمت، انبیا.

### مقدمه

مسئلهٔ وصایت و امامت در ادیان الهی و به‌ویژه در متون وحیانی جایگاهی بلندی دارد و ارزش آن در پیوندش با امر نبوت است. جانشینی نبی، ضرورتی برخاسته از مقتضای جامعهٔ بشری، و نیز هدف تکاملی خلقت و امری کاملاً معقول و منطقی شمرده شده است.

برای اهمیت جایگاه الهی وصایت و خلافت پس از نبوت، ابتدا لازم است منصب و مقام نبوت اندکی واکاوی شود. پرواضح است که رسیدن به هدف آفرینش و تکامل انسان در جنبه‌های مختلف بدون بعثت انبیا ممکن نیست.

همچنین باید یادآور شد که در بعثت انبیا دو نکته بسیار حایز اهمیت است: اول اینکه، پیامبران الهی فقط مسئولیت ابلاغ و تعلیم برعهده ندارند؛ زیرا انسان با صرف تعلیم به هدف نمی‌رسد؛ بنابراین تعلیم و تربیت در هدف بعثت انبیا، لازم و ملزوم هم یکدیگرند؛ و نکته دوم، اینکه پیامبران باید منصوص و منتخب الهی باشند؛ زیرا مسئولیت هدایت بشری از جانب پروردگار برعهدهٔ ایشان است. از این‌رو شیعه به عصمت اوصیای الهی معتقد است.

با توجه به ضرورت ارسال پیامبران الهی، ضرورت نصب جانشینی نیز همپای آن مطرح است؛ زیرا مقتضای ترک این عمل یعنی وصایت و تعیین جانشین، اخلال در مسئولیت عمومی است و ثمرهٔ آن، تحلیل رفتن جامعه و خروج از دایرهٔ اهداف بعثت انبیا است.

نکتهٔ اساسی بحث، پرداختن به جایگاه الهی و تنصیبی وصایت و امامت است که ضرورتی برخاسته از هدف خلقت و نظام تربیتی در آفرینش است و این مسئله از ابتدای خلقت که توأمان با آفرینش حضرت آدم بوده است، سابقه دارد.

روش جمع‌آوری و تحقیق در این پژوهش، کتابخانه‌ای و به اعتبار ماهیت تحلیلی - توصیفی است. از جمله منابعی که در آن به وصایت و امامت در ادیان الهی و متون وحیانی قبل از اسلام اشاره شده، «کمال‌الدین و إتمام‌النعمة» شیخ صدوق و «بحار الأنوار» علامه مجلسی است که در پی اثبات این امر است که هر پیامبری لزوماً جانشینی دارد که از طرف خداوند انتخاب می‌شود.

باید یادآور شد، نوشتاری که منحصراً به بررسی تطبیقی جایگاه الهی وصایت در قرآن و کتاب مقدس یهود که به تحلیل مشترکات و مفترقات آن، پرداخته باشد، موجود نیست و این اثر دارای نقطه‌های آغاز بر این موضوع است.

## مفهوم‌شناسی اصطلاحات

### خلافت:

خلافت یعنی جانشینی و نیابت به‌جای دیگری که یا در غیاب و نبودن یا به‌علت ناتوانی کسی و یا به‌خاطر بزرگی و شرافت کسی است که دیگری جانشین او می‌شود<sup>۱</sup> و خلیفه در لغت: یعنی جانشین، ولی عهد و پیشوایی که بالادست او پیشوایی نباشد.<sup>۲</sup>

### وصایت:

وصی بر پیوستن شیء بر شیء دیگر دلالت می‌کند،<sup>۳</sup> و او کسی است که یا سفارشی می‌کند و یا به او سفارشی می‌کنند و نیز وصی، کسی است که روشن‌کننده سفارش و وصایت باشد؛<sup>۴</sup> بنابراین وصایت به معنای وصیت و سفارش است.<sup>۵</sup>

اوصیا جمع وصی به معنای اندرزدهنده نیز هست،<sup>۶</sup> به عبارت دیگر، وصی پیامبر یعنی روشن‌کننده سفارشات پیامبر و اصطلاحاً شخصی که جانشین پیامبر است و مبین وصیت پیامبر در رابطه با جانشینی خود و دستورات پیامبر است و در نتیجه جانشین، کسی است که پس از نبی، کارهای او را انجام می‌دهد.<sup>۷</sup>

### امامت:

امام در لغت به معنای پیشوا و خلیفه و فرمانده سپاه است، و امامت به معنای پیشوایی، رهبری اجتماع و ریاست است.<sup>۸</sup> امامت در اصطلاح شیعه، منصبی الهی و جانشینی پیامبر • و راهبری دینی و دنیوی امت اسلامی است. همچنین مشخصه بارز امام، عصمت و برخوردار از علوم خدادادی است که از سوی خدا و پیامبرش به این مقام برگزیده و به مردم معرفی می‌شود و پس از پیامبر، عهده‌دار تداوم وظایف او (به جز مسئولیت دریافت و ابلاغ وحی) است.<sup>۹</sup>

۱. حسین راغب‌اصفهانی، المفردات، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، ج ۱، ص ۶۲۸.

۲. جبران مسعود، الرائد، ترجمه رضا انزابی‌نژاد، ج ۱، ص ۷۵۷.

۳. احمدبن فارس، مقاییس‌اللغه، ص ۱۰۲۴.

۴. ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۱۵، ص ۳۲۱.

۵. جبران مسعود، الرائد، ج ۲، ص ۱۸۷۳.

۶. احمد سیاح، فرهنگ جامع، ج ۳، ص ۱۷۰۹.

۷. حسین دستغیب، ولایت، ص ۱۴۴.

۸. جبران مسعود، الرائد، ج ۱، ص ۳۶۷.

۹. علی‌اکبر دهخدا، لغتنامه دهخدا، ج ۲۴، ص ۵۷۲.

## پیشینه وصایت و مبانی آن

### ۱. جایگاه وصایت در جهان‌بینی الهی

وصایت و جانشینی پیامبران، ضرورتی برخاسته از هدف خلقت و جهان آفرینش است. در جهان‌بینی الهی، انسان با هدف رسیدن به کمال آفریده شده است. از دیگر سو، انسان برای رسیدن به این کمال، نیازمند راهنمایی رسولانی از جمله پیامبران با ویژگی‌های منحصر به فرد ایشان است. اما هر پیامبری با توجه به مقتضیات طبیعی حیات و زمانه قطعاً جاودانه نخواهد بود و بنابراین تا ارسال پیامبر بعدی، لزوم جانشینی برای ادامه راه رسالت، امری ضروری است تا هدف الهی پیامبر پیشین نقض نشود. این، یک ضرورت عقلانی است که انسان‌ها در نظام اجتماعی و حتی فردی نیاز به مدیریت دارند و بالأخره شخصی در جامعه باید متولّی امور انسان‌ها باشد. از این رو در جهان‌بینی الهی و بنابر تدبیر و حکمت خداوند، ارسال راهنمایان الهی ضروری شمرده شده است. از طرف دیگر، زندگی جمعی انسان‌ها نیازمند قانونی است که برای اجتماع مفید و مایه پیشرفت و تکامل آن باشد و نیز با تمام مقتضیات روحی و جسمی افراد اجتماع و چگونگی روابط آنها با یکدیگر و پدیده‌هایی که از آن ناشی می‌شود کاملاً تطبیق داشته باشد، و این قانون‌گذار جز خالق نخواهد بود.<sup>۱</sup>

در جهان‌بینی الهی، انسان و جهان هدفی دارد و جهان در مسیر خود، خط صحیحی را طی می‌کند. لذا باید برای انسان هم که جزئی از این عالم است، خط صحیحی که دور از هرگونه خطا و لغزش و انحراف است، مستمراً وجود داشته باشد؛ زیرا وجود پیامبر در هر دوران جاودانه نیست و نیز مردم بعد از پیامبر، همچنان نیازمند هدایتند و در نیاز به راهنما، فرقی میان ادوار تاریخی نیست.

بنابراین با توجه به ضرورت وجود پیامبران الهی، ضرورت اصل جانشینی و وصایت، همپای آنان مطرح می‌شود و مقتضای ترک وصایت، اخلال در مسئولیت عمومی و خروج از اهداف «بعثت» است.<sup>۲</sup> مثلاً از شاخه‌های اصلی بعثت و ارسال پیامبران، هدایت و تعلیم و تربیت است که جایگاه تربیت و هدایت بعد از هر پیامبری و در برهه‌ای از زمان، با آن جایگاه رفیع قطعاً خالی خواهد ماند.<sup>۳</sup>

در قرآن کریم هنگامی که پروردگار به ملائکه می‌فرماید من در زمین قرار دهنده

۱. امامی و آشتیانی، عقاید اسلامی، ج ۱، ص ۲۵۹.

۲. مهدی سماوی، امامت در پرتو کتاب و سنت، ترجمه محمدرضا آژیر و دیگران، ص ۳۳.

۳. امامی و آشتیانی، عقاید اسلامی، ص ۲۴۶.

خلیفه هستم، در واقع خداوند عزوجل پیش از آفرینش از «خلیفه» سخن رانده است، و لذا بر این امر دلالت دارد که حکمت در «خلیفه»، مقدم بر حکمت «آفرینش» است. امام صادق • در این باره می‌فرماید:

«حجت خدا پیش از خلق است و همراه خلق است و پس از خلق است.»<sup>۱</sup>

اهل سنت، مسئله پیشوایی و جانشینی پیامبر را به‌عنوان نظریه‌ای سیاسی می‌پندارند و آن را به‌عنوان یکی از مباحث فروع دین و متعلق به دانش فقه تلقی می‌کنند. آنان بر اساس چنین تلقی‌ای، انتخاب امام را واجب شرعی بر امت می‌دانند و پذیرش آن را به‌عنوان واجب کفایی تحلیل می‌کنند.

به‌طور کلی مقام وصایت و جانشینی و امامت نزد اهل سنت، یک منزلت اجتماعی و منصب عادی و غیر الهی است که توده مردم، به‌ویژه اهل حل و عقد یعنی مدیران، مسئولان و صاحب‌نظران، این مقام را انتخاب می‌کنند. از این رو یکی از مهمترین مواضع خلاف بین اهل سنت و جهان‌بینی ادیان الهی در مسئله وصایت و جانشینی است که سایر مواضع به نحوی به آن برمی‌گردد. لذا اهل سنت شرایطی چون عصمت، علم الهی و فضیلت را از ویژگی‌های جانشین پیامبر نمی‌دانند.<sup>۲</sup>

باید اذعان کرد که بینش اهل سنت، مسئله‌ای غیرمعقول و حتی مغایر با سایر شرایع چون یهودیت است. در این نوشتار در پی تطبیق جایگاه الهی وصایت در قرآن و عهد عتیق هستیم تا ثابت شود، اصل اولیه در حجت الهی بر مردم، انتخاب و انتصاب به نصب الهی است.

## ۲. رویکرد قرآن به جایگاه وصایت و امامت

در بررسی رویکرد قرآن به مسئله خلافت و وصایت، صرف‌نظر از اختلافات و اشکالات وارده در مصادیق آیات، بحث می‌شود و از آنجا که بحث نقلی است، پیش‌فرض این است که مباحث کلامی؛ اعتقادی و تاریخی راجع به این مسئله و جانشینی پیامبر حل شده و ثابت شده است.

### ۲.۱. وصایت ملازم با رسالت

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ

۱. ناصر مکارم‌شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۱۲۰.

۲. امامت‌پژوهی، جمعی از نویسندگان، ص ۳۶.

يَعَصِّمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»<sup>۱</sup> «ای رسول، آنچه از پروردگارت بر تو نازل شده برسان و اگر چنین نکنی، رسالت پروردگارت را نرساندی و خداوند تو را از مردم حفظ خواهد کرد؛ خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند.»

آنچه پیامبر خدا مأمور به ابلاغ آن بودند، از شئون رسالت ایشان به شمار می‌آید؛ زیرا خداوند ایشان را با «أَيُّهَا الرَّسُولُ» خطاب کرده است. همچنین حکمی که پیامبر خدا مأمور به ابلاغ آن بود به حدی اهمیت داشت که اگر ابلاغ نمی‌شد، گویی اصل دین و تمام گزاره‌های آن ابلاغ نشده و موجب بی‌نتیجه‌ماندن مقصود سایر آموزه‌های دین می‌شد! مأموریت پیامبر خدا • در این آیه برای پیامی بود که نوعی دل‌نگرانی و احساس خطر از تبلیغ آن وجود داشت؛ لذا مخالفان این پیام، کافر قلمداد می‌شدند و از هدایت خدا بدور بودند.

اما مورد ابلاغ آیه، حکم ولایت، وصایت و امامت امام علی •، یعنی جانشین پس از پیامبر اکرم • بود.<sup>۲</sup> حکم وصایت و خلافت و ولایت حضرت علی • که حضرت رسول • مأمور به ابلاغ آن بود، به حدی اهمیت داشت که اگر ابلاغ نمی‌شد، گویی اصل دین و تمام گزاره‌های مربوط به آن ابلاغ نشده بود.<sup>۳</sup> بر این اساس، ضمیر مفرد غایب در کلمه «رسالته» به «ریک» باز می‌گردد و بدین معنا است که عدم اعلان وصایت و منتخب الهی به معنی ناتمامی امر رسالت آن حضرت خواهد بود.

روایاتی که در مصادر شیعه درباره مورد نزول آیه تبلیغ وارد شده، همه درباره اعلان ولایت امام علی • و مربوط به روز غدیر خم است. در این روایات، آیه یادشده از یک‌سو با آیات ولایت (۵۵ مائده)، اولی‌الأمر (۵۹ نساء) و اکمال (۳ مائده)؛ و از سوی دیگر با حدیث ثقلین پیوند خورده است.<sup>۴</sup> روایات اهل سنت در این باره دو گروه‌اند، برخی در بیان مورد نزول آیه درباره امام علی • و روز غدیر صراحت دارند.<sup>۵</sup>

## ۲.۲. منصب الهی امامت و وصایت<sup>۶</sup>

قرآن می‌فرماید: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ

۱. مائده/۶۷.

۲. فتح‌الله نجارزادگان، بررسی تطبیقی آیات ولایت، ص ۱۲۰.

۳. شیخ طوسی، تفسیر تبیان، ج ۳، ص ۵۸۶؛ محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۶، ص ۳۰.

۴. محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، کتاب لحجة، ج ۱، ص ۲۸۹، ج ۴.

۵. ابن ابی‌حاتم رازی، تفسیر ابن ابی‌حاتم، ج ۴، ص ۱۱۷۳.

۶. محمدتقی مصباح‌یزدی، آموزش عقاید، ص ۳۱۱.

لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا...»<sup>۱</sup> «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم.»

این آیه که به اتفاق مفسرین در حجة الوداع و تنها چندماه پیش از رحلت پیامبر اکرم • نازل شد، پس ز اشاره به ناامیدی کفار از آسیب پذیری اسلام (الْيَوْمَ يَكْفُرُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ)، تأکید می کند که امروز دین شما را کامل، و نعمتم را بر شما تمام کردم و با توجه به روایات فراوانی که در شأن نزول این آیه وارد شده کاملاً روشن می شود که این اِکمال و اِتمام با نصب جانشین برای پیامبر اکرم • از طرف خدای متعال، تحقق یافته است. دشمنان اسلام، انتظار داشتند که پس از وفات رسول خدا بویژه با توجه به اینکه آن حضرت، فرزند ذکور نداشتند، اسلام بدون سرپرست خواهد ماند و در معرض ضعف و زوال قرار می گیرد؛ اما نقشه و گمان آنها بیهوده بود؛ زیرا با نصب جانشین، دین اسلام به نصاب کمال و نعمت الهی به سر حد تمام رسید و امید کافران بر باد رفت. و همچنان که می دانیم اعلان امامت و وصایت و جانشینی حضرت علی • به فرمان خدا با همان آیه تبلیغ<sup>۲</sup> توسط پیامبر اکرم • در غدیر خم انجام گرفت.<sup>۳</sup>

### ۲،۳. عصمت؛ شاخصه وصایت و امامت

عصمت امامان شیعه از این عبارت آیه شریفه استنباط می شود که می فرماید: «لا ینال عهدی الظالمین»<sup>۴</sup> و بنابراین اعطای مناصب الهی به کسانی که آلوده به گناه باشند نفی شده است. همچنین از آیه «أطیعوا الله وأطیعوا الرسول وأولی الأمر منکم...»<sup>۵</sup> که اطاعت مطلق از ایشان را لازم شمرده و آن را قرین اطاعت رسول خدا • قرار داده است، استفاده می شود که هیچگاه اطاعت ایشان منافاتی با اطاعت خدای متعال ندارد. بنابراین امر به اطاعت ایشان به طور مطلق به معنای ضمانت عصمت است.<sup>۶</sup> البته قرآن در برابر اطلاق اطاعت از خدا و رسول، اطاعت های دیگر را مشروط کرده است، برای نمونه در قرآن اطاعت از پدر و مادر، مشروط به توحید و عدم شرک ورزی است.<sup>۷</sup>

۱. مائده/۳.

۲. مائده/۶۷.

۳. عبدالحسین امینی نجفی، گزیده های جامع از الغدیر، تلخیص محمدحسن شفیعی، ص ۴۱.

۴. بقره/۱۲۴.

۵. نساء/۵۹.

۶. محمدتقی مصباح یزدی، آموزش عقاید، ص ۳۱۹.

۷. فتح الله نجارزادگان، تفسیر تطبیقی آیات ولایت، ص ۷۶.

## ۲.۴. علم و حکمت الهی

قرآن کریم یکی از ملاکهای ارجاع امور به پیامبر و اولوالأمر را برخوردار از آنها از علم و دانش می‌شمرد:<sup>۱</sup>

«... وَ نُورِدُّهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أَوْلِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَ مِنْهُمْ»<sup>۲</sup>؛  
و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی اند که  
[می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند...»

همچنین قرآن از شخص یا اشخاصی بعنوان «من عنده علم الكتاب» یاد کرده و آنها را به‌عنوان شاهد بر حقانیت پیامبر اکرم • معرفی می‌کند:  
«قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيداً بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ»<sup>۳</sup> «بگو برای شهادت  
میان من و شما، خدا و کسی که علم‌الکتاب دارد کفایت می‌کند.»  
بدون شک چنین کسی که شهادت او قرین شهادت خدای متعال قرار داده شده و داشتن علم‌الکتاب، او را شایسته چنین شهادتی کرده، دارای مقامی س ارجمند است.  
در آیه دیگری نیز اشاره به این شاهد شده و او را «تالی تلو» رسول خدا • برشمرده است:

«أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً  
أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ  
الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ»<sup>۴</sup> «آیا کسی که از جانب پروردگارش  
بر حجتی روشن است و شاهدهی از [خویشان] او، پیرو آن است، و پیش از وی [نیز] کتاب  
موسی را هبیر و مایه رحمت بوده است [دروغ می‌بافد]؟ آنان [که در جستجوی  
حقیقت‌اند] به آن می‌گروند، و هر کس از گروه‌های [مخالف] به آن کفر ورزد آتش  
وعده‌گاه اوست. پس در آن تردید مکن که آن حق است [و] از جانب پروردگارت [آمده  
است] ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند.» کلمه «منه» دلالت دارد بر اینکه این شاهد از  
خاندان رسول خدا و اهل‌بیت: اوست و روایات متعددی از طرق شیعه و اهل‌سنت، نقل  
شده که منظور از این شاهد، علی بن ابی‌طالب • است.<sup>۵</sup>

۱. عبدالله نصری، کلام، ص ۹۱.

۲. نساء/۸۳.

۳. رعد/۴۳.

۴. هود/۱۷.

۵. محمدتقی مصباح‌یزدی، آموزش عقاید، ص ۳۲۲.



در قسمت‌های دیگر قرآن، ملاک برگزیدگی نماینده الهی در هر امری، علم و توانایی جسمی دانسته شده است. مثلاً قرآن ملاک برگزیده شدن طالوت برای فرماندهی را علم و توانایی می‌داند:<sup>۱</sup>

«إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ»<sup>۲</sup> «خداوند (طالوت) را برای فرماندهی) بر شما برگزید و او را در علم و توانایی جسمانی افزونی بخشید.»

### ۳. جانشینی و وصایت در کتاب مقدس عبری

#### ۳.۱. کتاب مقدس عبری؛ کتاب آسمانی یهود

یهودیت، دینی است که پیروان زیادی در میان ادیان زنده جهان ندارد؛ اما این دین، کهن‌ترین دین از ادیان بزرگ سامی (یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام) و در شمار ادیان ابراهیمی و منسوب به حضرت ابراهیم • است. دیانت یهود از جهاتی مورد توجه مسلمانان بوده است؛ چراکه انبیا و بزرگان دین یهود، در سنت اسلامی و قرآن همواره مورد توجه و احترام بوده‌اند. اسلام منشأ این دیانت را الهی می‌شمرد و برای آن اعتبار و اصالت قائل است.<sup>۳</sup>

در کانون اعتقادی یهود، ایمان به خدای یگانه قرار دارد، خداوندی که آسمان و زمین و همه موجودات را آفریده است و خدایی که بنی‌اسرائیل را از قید اسارت و بندگی در سرزمین مصر بیرون آورد و به «سرزمین مقدس» در آورد.<sup>۴</sup>

#### ۳.۲. رو بگرد عهد عتیق به جایگاه وصایت و خلافت

##### ۳.۲.۱. مقام انتصابی و الهی

یهودیان، حضرت موسی • را پیامبر خویش می‌دانند. حضرت موسی • دو وظیفه و مأموریت داشت: یکی اینکه اقوام اسرائیل را نجات دهد و آنان را رهبری کند؛ و دیگر آنکه در مقام پیامبر خدا، تعالیمی را برای قوم بیان نماید، تعالیمی که در سه بخش عقاید، اخلاقیات و احکام فقهی دسته‌بندی می‌شود.<sup>۵</sup> موسی • پس از آزاد کردن بنی‌اسرائیل، امور آنان را سامان داد و ایشان را برای مبارزه با کافران آماده کرد و احکام خدا را به آنان آموخت. آن حضرت در صحرای سینا حکومتی برپا کرد و

۱. عبدالله نصری، کلام، ص ۹۱.

۲. بقره/۲۴۷.

۳. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۴.

۴. جان هینلز، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالرحیم گواهی، ص ۱۴.

۵. عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، یهودیت، ص ۸۲.

تا آخر عمر، رهبری دینی و سیاسی قوم خود را برعهده داشت که شرح آن در کتاب تورات آمده است. وی بنی اسرائیل را برکت داد و در صدویستسالگی در مکانی به نام موآب (حوالی بحرالمت) درگذشت و بنی اسرائیل برای او سی روز عزاداری کردند. این جریان در آخر سفر تثنیه یافت می‌شود و تورات بدان پایان می‌یابد.<sup>۱</sup>

پس از موسی، یوشع بن نون به امر خدا به رهبری قوم برخاست. در رابطه با چگونگی تعیین یوشع به‌عنوان وصی پس از موسی در سفر اعداد چنین آمده است:

«موسی به خداوند عرض کرد: ای خداوند! خدای روح‌های تمامی فراد بشر! بیش از آنکه بمیرم التماس می‌کنم برای قوم اسرائیل رهبر جدیدی تعیین فرما، مردی که ایشان را هدایت کند ... خداوند جواب داد: برو دست خود را بر یوشع پسر نون که روح من در اوست بگذار، سپس او را نزد العاذر کاهن ببر و پیش چشم تمامی قوم اسرائیل او را به رهبری قوم تعیین نما.»<sup>۲</sup>

و همچنین در صحیفه یوشع می‌خوانیم:

«خداوند پس از مرگ خدمتگذار خود موسی، به دستیار او یوشع پسر نون فرمود: خدمتگذار من موسی، در گذشته است پس تو بر خیز و بنی اسرائیل را از رود اردن بگذران و به سرزمین که به ایشان می‌دهیم برسان ... همان‌طور که با موسی بودم با تو نیز خواهم بود تا در تمام عمرت کسی نتواند در برابر تو مقاومت کند. تو را هرگز ترک نمی‌کنم و تنها نمی‌گذارم پس قوی و شجاع باش، چون تو این قوم را رهبری خواهی کرد تا سرزمینی را که به پدران ایشان وعده داده‌ایم تصاحب نمایند. فقط قوی و شجاع باش و از قوانینی که خدمتگذارم موسی به تو داده است اطاعت نما؛ زیرا اگر از آنها به دقت اطاعت کنی، هر جا روی موفق خواهی شد. این کتاب تورات از تو دور نشود، شب و روز بخوان و در گفته‌های آن تفکر کن تا متوجه تمام دستورات آن شده بتوانی به آنها عمل کنی، آنگاه پیروز و کامیاب خواهی شد.»<sup>۳</sup>

خداوند به وی همان سخنانی را یادآوری می‌کند که در گذشته به ابراهیم، اسحاق، یعقوب، موسی و نیز قوم اسرائیل بارها فرموده بود و شرط کمک و حمایت الهی، اطاعت از او و اجرای دستورهای اوست.<sup>۴</sup>

۱. حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۸۵.

۲. اعداد، ۲۷: ۱۵-۲۳.

۳. صحیفه یوشع، ۱: ۹-۱.

۴. عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، یهودیت، ص ۱۰۱.

## ۳.۲.۲. علم و حکمت الهی یوشع نبی

در رابطه با جایگاه علمی یوشع نبی در سفر تثنیه آمده است: «... یوشع بن نون از روح حکمت مملو بود؛ زیرا موسی دستهای خود را بر او نهاده بود و بنی اسرائیل او را اطاعت نمودند و برحسب آنچه خداوند به موسی امر فرموده بود، عمل کردند.»<sup>۱</sup>

## ۴. نقد و بررسی جایگاه وصایت و جانشینی در کتاب مقدس عبری و تمایزات آن با رویکرد قرآن

### ۴.۱. جعل خلافت منافات با جایگاه الهی

بنابر آیه ۱۱ از باب ۲۵ سفر پیدایش، خداوند اسحاق را به جانشینی ابراهیم برکت می‌دهد و به رهبری قوم انتخاب می‌کند. اسحاق نیز که به سن پیری می‌رسد، می‌خواهد عیسو یعنی نخستزاده خویش را به جانشینی انتخاب می‌کند؛ اما یعقوب (فرزند دوم اسحاق) با خدعه و نیرنگ، این منصب را تصاحب می‌کند و با رهبری قوم مورد عنایت خداوند هم واقع می‌شود و از طرف خداوند به اسرائیل نامیده می‌شود که به معنی این است که وی با خدا و انسان مجاهده کرده و پیروز شده است. آنگاه خداوند، یعقوب را برمی‌گزیند و او را برکت می‌دهد و درمقابل برادرش عیسو که به جنگ و خصومت با او می‌پردازد، او را یاری می‌کند. از باب ۲۵ تا ۳۶ سفر پیدایش با ذکر جزئیات بسیاری این اتفاقات ذکر گردیده است.

با تحلیل این مباحث به دو فرض مختلف می‌رسیم: در فرض اول، اسحاق که جانشین حضرت ابراهیم • و منتخب واقعی خدا است، انتخاب عیسو را از پیش خود و بدون اذن و فرمان خداوند انجام داده است و در اصل خداوند، یعقوب را جانشین اسحاق می‌دانسته است؛ و دوم، اینکه هرکس که با قدرت و نیرنگ بتواند منصب جانشینی پیامبر الهی را تصاحب کند و به رهبری مردم قیام کند، خداوند او را تأیید می‌کند. در این تحلیل دو جانبه یا اسحاق جانشین حضرت ابراهیم • تخلف نموده است یا خداوند برخلاف حکمت خویش عمل نموده است. این دو فرض در حالی است که هدف از بعثت انبیا و راهنمایان الهی و جانشینان هدایت انسانها به سوی پروردگار است و جعل خلافت و تأیید نیرنگ نیز برخلاف حکمت الهی است و اگر خداوند کسی را برای هدایت و رهبری قوم برگزیند و او بدون اذن الهی اموری را به انجام

۱. تثنیه، ۳۴: ۹.

برساند (مانند اسحاق)، باز هم حکمت خداوند در انتخاب جانشین و هدای انسان‌ها زیر سؤال می‌رود.

خداوند از خلقت انسان‌ها و آفرینش و هستی هدفی دارد و تکامل انسان‌ها و رسیدن به اهداف الهی بدون بعثت انبیای الهی و راهنمایان و اوصیا ممکن نیست و اگر منتخبان الهی از اهداف الهی خارج شوند، این امر با حکمت و جایگاه خود ارسال‌کننده یعنی پروردگار عالمیان متناقض است و مناسب با ساحت قدسی او نیست. بنابراین قرآن کریم همچنان که آمد جایگاه وصایت و خلافت پس‌بعد از نبوت از مقامی رفیع برخوردار است و از مقامات الهی بوده و تخلف و مسامحه و سهل‌انگاری در آن راه ندارد.

#### ۴.۲. انحراف و ناسازگاری مقام وصایت با عصمت

پیامبران و اوصیای الهی از جانب خداوند برای هدایت و نظام‌دهی به تمام جنبه‌های زندگی انسان‌ها؛ اعم از فردی و اجتماعی مبعوث شده‌اند. بدیهی است اگر ایشان تخلفی از مسیر الهی داشته باشند، ضمن آنکه حکمت خداوند نقض می‌شود، از طرف دیگر، انسانها نیز اعتماد خود را نسبت به فرستادگان الهی از دست می‌دهند و در نتیجه پیروی از فرستادگانی که اوامر خداوند را زیر پا می‌گذارند، معنا نخواهد داشت.

لذا عصمت برای انبیا و اوصیای الهی، امری ضروری و برخاسته از عقل و متناسب با حکمت پروردگار است. غرض از انتصاب اوصیای الهی امر به معروفات و مشروعات پیامبران و نهی از منکرات الهی است و اگر ایشان معصوم نباشند و علاوه بر این خطا و گناه نیز مرتکب شوند، پس چگونه مردم را هدایت و از منکرات باز دارند و احکام الهی را ترویج و اجرا کنند؟!<sup>۱</sup>

در کتاب اول سموئیل نبی در کتاب مقدس عبری آمده است که خداوند شائول را توسط سموئیل نبی برای رسیدگی به امور مردم انتخاب می‌کند. شائول در ابتدا خوب عمل می‌نماید و دستورات خدا را که از طریق سموئیل به او می‌رسید، عمل می‌کند؛ اما او به تدریج از خدا دور شده، نافرمانی را آغاز کرد و خدا هم او را رها ساخت! خداوند از سموئیل خواست که جوان ناشناخته‌ای به نام داوود را به جای شائول انتخاب کند. داوود پس از اجرای بسیاری از اوامر الهی، به همسر یکی از سربازانش تجاوز کرد و چون رسوایی به بار آمد، توطئه‌ای چید و او را در میدان جنگ به کشتن داد. خدا بر

۱. علامه حلی، کشف‌المراد فی شرح تجرید الإعتقاد، ص ۵۱۰.

او غضب کرد و او توبه نمود.<sup>۱</sup>

همچنین در ادامه در کتاب اول و دوم پادشاهان آمده که داوود به امر خدا سلیمان را به جانشینی خود برمی‌گزیند و به او اطاعت از خدا و انجام شریعت را وصیت می‌کند. و سپس خداوند به سلیمان حکمت ویژه‌ای را عطا می‌نماید؛ اما سلیمان با زنان بت‌پرست ازدواج کرد و آنان او را از خداوند دور ساختند، به طوری که سلیمان بت‌خانه بنا کرد و مورد غضب خداوند قرار گرفت.<sup>۲</sup>

با توجه به مباحث یادشده درمی‌یابیم عصمت که لازمه امر وصایت و خلافت و حتی نبوت است و عدم آن نقض حکمت الهی است، کاملاً خدشه‌دار شده است. این در حالی است که در قرآن وقتی حضرت ابراهیم به خداوند عرضه می‌دارد مرا که پیشوای مردم قرار داده‌ای آیا از ذریه من هم کسانی به پیشوایی مردم برگزیده می‌شوند؟ و خداوند می‌فرماید: «عهد امامت و پیشوایی به ظالمین نمی‌رسد.»<sup>۳</sup>

قرآن بر عصمت و پاکی و دوری از انحرافات انبیا و اوصیای الهی تأکید ویژه‌ای دارد<sup>۴</sup> و از ایشان به بزرگی و پاکی یاد می‌کند.<sup>۵</sup>

اگر کسی اشکال کند که در شرایع قبل از اسلام، وجود اوصیای الهی در قالب انبیای تبلیغی ضرورت داشته است، و خداوند هزاران حجت و پیامبر را چه تشریحی و چه تبلیغی برای هدایت نسانها مبعوث می‌کرده است. اما با در مورد پیامبر خاتم • دیگر نیازی به نبی تبلیغی بعد از او نیست؛ زیرا خداوند با خاتم قراردادان وی باب جانشین و وصایت را بسته است؛ لذا امامت و وصایت معنایی معنایی ندارد!

در پاسخ باید گفت دین اسلام، دین خاتم است و کمال دین در این است که آنچه از وحی تشریحی الهی است، محفوظ بماند. یعنی هم حدوداً دین کامل باشد و هم بقائاً کامل بماند. براین اساس، وجود مقدس رسول خدا • هم مبین و مفسر دین است و هم حافظ و نگهبان حریم وحی الهی.

بنابراین پیامبر اکرم • در سه محور مهم دین فعالیت دارد:

محور اول: دریافت وحی تشریحی؛ که با ارتحال رسول خدا • هیچ مشکلی در آن پیش نمی‌آید؛ زیرا ثابت شد که هرچه وحی تشریحی مربوط به شریعت خاتم بوده،

۱. اول و دوم سموئیل، باب ۱۵ به بعد.

۲. اول و دوم پادشاهان.

۳. بقره/۱۲۴.

۴. یوسف/۴۰؛ صافات/۱۳۲،۷۴.

۵. صافات/۱۳۲،۷۴.

نازل شده است؛

محور دوم: که تبیین و تفسیر دین و حفظ و حراست وحی الهی از هرگونه تحریف است، و تا زمانی که رسول اکرم • حضور داشتند آن مقداری که لازم بود معارف واحکام این دین توسط حضرت تبیین و تفسیر شده است و همواره وحی الهی از گزند هرگونه تحریف، محفوظ و مصون مانده است. اما این دین جهان شمول در حوزه خود به مقتضای زمان، نیاز به تبیین و تبلیغ دارد و از طرفی پس از ارتحال نبی اکرم • حفاظت و حراست دین همواره در خطر حوادث است؛ زیرا دین جهان شمول نیاز مبرم به حافظ معصوم دارد؛ پس تکلیف محور دوم بعد از رسول خدا • چه خواهد شد؟ محور سوم؛ اجرای دین است. شخص رسول خدا هم وحی الهی را دریافت می کند و هم از طرف خدای متعال مجری دین است. یعنی هم رسول است و هم امام. اکنون جای این سؤال مطرح است که براستی پس از ارتحال رسول خدا • تکلیف این محور اساسی چیست؟

اگر مسئله اجرای احکام و رهبری مردم پس از پیامبر • حل نشده باشد، این نقص در دین محسوب می شود. بنابراین با وجود نقص در دو محور اساسی دین، بعد از ارتحال آن حضرت، دین دچار چالش جدی خواهد شد، و قطعاً دینی که کامل نباشد، جهان شمول نیز نخواهد بود و خاتمیت دین زیر سؤال می رود.<sup>۱</sup> وجود امام و وصی پس از پیامبر گرامی • از ضروریات عقلی و نقلی دین اسلام است. امامت منصبی الهی است که مسئولیت خطیر راهبری امت اسلامی و حفظ شریعت را برعهده دارد، و شخصی شایسته این منصب است که ویژگی های متعددی مانند عصمت و علم خدادادی در او جمع و در جمع همه خصایل و فضائل معنوی بر دیگران برتری داشته باشد و بدیهی است که تشخیص قطعی فرد شایسته برای این منصب جز از طریق معرفی خداوند و پیامبر او میسر نمی گردد.<sup>۲</sup>

### نتیجه

برای آنکه هر شریعتی در جوامع و نسل های گذشته و آینده از خطرات احتمالی تحریف و انحراف، محفوظ بماند خداوند، در هر محدوده ای از زمان، وصی و جانشین برای پیامبر خویش تعیین فرموده است. بنابراین هیچ عصری در جامعه بشری از

۱. علی طباطبایی، انسان کامل و معرفت امامت در کلمات حضرت رضا •، ص ۴۷، ۴۷.

۲. محمد سعیدی مهر، کلام اسلامی، ج ۲، ص ۱۳۲.

حجت خالی نبوده است و به‌طور قطع در هر عصری رسولی یا جانشینان او حضور داشته‌اند.<sup>۱</sup>

همچنین با بررسی تطبیقی جایگاه وصایت و امامت در قرآن کریم و کتاب مقدس عبری، روشن شد که عهدعتیق در اصل جایگاه انتصابی و علم الهی مقام وصایت، با قرآن مشترک است؛ اما در عصمت انبیای الهی و اوصیای الهی با قرآن ناسازگار است. همچنین تناقضات مربوط به جایگاه انتصابی وصایت و جانشینان انبیای الهی در عهدعتیق از دو جهت قابل ملاحظه است: یکی اینکه وجود آن تناقضات اخلاقی و معنوی در ساحت قدسی انبیا و اوصیا، باعث خدشه به هدف ارسال‌کننده یعنی خداوند می‌شود و علم و حکمت او را زیر سؤال می‌برد؛ و دوم اینکه موجبات تردید در وحیانی بودن متن عهدعتیق می‌شود.

### منابع

- قرآن کریم (بر اساس ترجمه محمد مهدی فولادوند).  
کتاب مقدس (بر اساس ترجمه فاضل خان همدانی).
۱. راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، المکتب المرتضویه، چ‌چهارم، قم، ۱۳۸۷ ش.
  ۲. جبران مسعود، الرائد، ترجمه رضا انزابی نژاد، شرکت به‌نشر، چ‌سوم، مشهد، ۱۳۸۰ ش.
  ۳. ابن فارس، احمد، مقاییس اللغه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چ‌اول، قم، ۱۳۸۷ ش.
  ۴. ابن منظور، لسان العرب، دار الإحياء لثرات العربی، چ‌اول، بیروت، ۱۴۰۸ ق.
  ۵. سیاح، احمد، فرهنگ جامع، کتاب‌فروشی اسلام، تهران، بی‌تا.
  ۶. دستغیب، حسین، ولایت، نشر ناس، چ‌اول، بی‌جا، ۱۳۶۳ ش.
  ۷. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، دانشکده ادبیات، تهران، ۱۳۵۱ ش.
  ۸. امامی و آشتیانی، عقاید اسلامی، بی‌جا، سازمان تبلیغات اسلامی، چ‌اول، ۱۳۶۷ ش.
  ۹. سماوی، مهدی، امامت در پرتو کتاب و سنت، ترجمه محمدرضا آژیر و دیگران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۷۴ ش.
  ۱۰. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، چ‌هفتم، تهران،
۱. علی‌اصغر همتیان، شرحی نو بر دعای ندبه، ص ۴۹-۴۷.

- ۱۳۶۷ش.
۱۱. جمعی از نویسندگان، امامت پژوهی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، چاول، مشهد، ۱۳۸۱ش.
۱۲. نجارزادگان، فتح‌الله، بررسی تطبیقی آیات ولایت، پژوهشگاه حوزه، چ دوم، قم، ۱۳۸۹ش.
۱۳. نصری، عبدالله، کلام ۲ (رشته الهیات و معارف اسلامی) نشر دانشگاه پیام نور، چاول، تهران، ۱۳۸۷ش.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات کوثر، بی‌جا، بی‌تا.
۱۵. رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر ابن ابی حاتم، نشر مکتبه العصریه، بی‌جا.
۱۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، نشر بین‌الملل، چ ۲۷، تهران.
۱۷. امینی‌نجفی، عبدالحسین، گزیده‌ای جامع از الغدیر، تلخیص محمدحسن شفیعی، قلم مکنون، چ سوم، قم، ۱۴۲۸ق.
۱۸. سلیمانی‌اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، آیت عشق، چ دوم، قم، ۱۳۸۴ش.
۱۹. هینلز، جان، راهنمای ادیان زنده، ترجمه عبدالرحیم گواهی، بوستان کتاب، چ دوم، قم، ۱۳۸۴ش.
۲۰. سلیمانی‌اردستانی، عبدالرحیم، کتاب مقدس، آیت عشق، قم، ۱۳۸۲ش.
۲۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، مؤسسه طه، چ دهم، قم، ۱۳۸۶ش.
۲۲. علامه حلی، کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، ابوالحسن شعرانی، اسلامیه، چ پنجم، قم، ۱۳۶۷ش.
۲۳. طباطبایی، سید علی، انسان کامل و معرفت امامت در کلمات حضرت رضا •، مطبوعات دینی، چ دوم، قم، ۱۳۸۶ش.
۲۴. سعیدی‌مهر، محمد، کلام اسلامی، کتاب طه، چ دوم، قم، ۱۳۸۱ش.
۲۵. همتیان، علی‌اصغر، شرحی نو بر دعای ندبه، مرکز تخصصی مهدویت، چاول، قم، ۱۳۸۷ش.